

## پیشگفتار چاپ ششم

به مناسبت چاپ ششم کتاب دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی چند نکته قابل ذکر است. به رغم گذشت ۸ سال از انتشار اولین چاپ، الگوی مفهومی ارائه شده در این کتاب - متشکل از دو مؤلفه «عملکرد یادگیری» و «محیط یادگیری» همچنان از دو دیدگاه راهبردی (strategic) و سیستمی (systemic) در برنامه‌ریزی آموزشی از اعتبار لازم برخوردار است. کاربرد این الگو در سیاست‌گذاری، اجرا، و ارزیابی برای درک مشترک - با استفاده از زبان تخصصی مرجع - به منظور تفهیم و تفاهم میان بازیگران آموزشی، تسهیل‌کننده و سودمند است.

این دو مؤلفه که به عبارت دیگر از آن به «نتایج» و «وسایل» یاد می‌شود، امروز در بحث‌های تخصصی مرتبط با «کیفیت آموزش» و «آموزش دربرگیرنده» (inclusive education) مورد استناد قرار می‌گیرد. از جمله مباحث نو در ارتباط با «نتایج» به موازات ضرورت گذار از رویکرد رفتارگرا (شرطی شدن و یادگیری سطحی) به رویکرد شناختی (فعال‌سازی ذهن و یادگیری عمقی) و سازاگرایی - اجتماعی (پذیرش برابری و کثرت)، تسلط یادگیرنده بر صلاحیتهای کلیدی است.

در دستیابی به صلاحیتهای کلیدی بر استقلال عمل، برقراری ارتباط به ویژه از طریق نوشتاری و با فناوریهای نو، و مدارا و همزیستی با گروههای ناهمگن تأکید می‌شود. در ارتباط با «وسایل»، در گذار از تدریس به یادگیری بر فرایند یاددهی - یادگیری به ویژه «یادگیری با همیاری» هم‌زمان با ورود فناوریهای نو در محیطهای یادگیری، توصیه می‌شود. از این رو، با توجه به سرعت نو شدن دانش تجربی در عصر اطلاعات و دانش، یافته‌های نو پژوهشی مرتبط با هریک از فصلهای کتاب و مفاهیم نو فراوان وجود دارد. این یافته‌ها به صورت برخط در سایتهای تخصصی در دسترس یادگیرنده مداوم قرار دارد. از جمله: سایت

مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی [www.unesco.org/iiep/](http://www.unesco.org/iiep/) و سایت تخصصی: [www.pedagogy.ir](http://www.pedagogy.ir) آخرین یافته‌های پژوهشی و مباحث به روز در مقوله سیاست‌گذاری و الگوهای مفهومی مرتبط با برنامه‌ریزی آموزشی را در اختیار کاربران سیاست‌گذار، برنامه‌ریز، مدیر و پژوهشگر قرار می‌دهد.

فریده مشایخ

تهران خرداد ۱۳۸۵

## پیشگفتار چاپ اول

با ورود به هزاره سوم میلادی، دانش تجربی نو و پیشرفتهای فناوری، این امکان را فراهم ساخته است که از یک سو بازنمایی ذهنی<sup>۱</sup> انسان از کره زمین به «دهکده جهانی» و بزرگراههای اطلاعاتی بهبود یابد، و از سوی دیگر، با وجود پیشرفتهای حاصل، چاره‌جویی درباره مسائل حاد اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و در مجموع بهزیستی و باهم زیستی ساکنان «دهکده جهانی» همچنان نایافتنی بنماید. این چاره‌جویی دغدغه خاطر متفکران راستین را - در تراز ملی و بین‌المللی - تشکیل می‌دهد. در حال حاضر، شبکه‌های ارتباطی یا «تار جهان گستر»<sup>۲</sup> سراسر سفینه زمین را زیر پوشش خود قرار داده است و «جهانی شدنی»<sup>۳</sup> را نوید می‌دهد. این «تار جهان گستر» بازارهای گوناگون تولید و عرضه کالا و خدمات را در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی به یکدیگر وصل کرده است. کلید ورود به این بازار جهانی را رقابت‌پذیری دانسته‌اند که نبود آن انزوا یا وابستگی فرد، سازمان یا کشور را در پی دارد. در این بازار جهانی، نه تنها کشورها، کلیه نهادها و افراد باید قابلیت «رقابت‌پذیری» و «سازگاری» خود را افزایش دهند. پنداره «زگهواره تاگور دانش بجوی» یا به عبارت دیگر «یادگیری مداوم» مصداق عملی یافته است. یادگیری به معنای بهبود بخشیدن به بازنماییهای ذهنی، به سالهای مدرسه محدود نمی‌شود. بلکه، همان طور که در گزارش کمیسیون بین‌المللی درباره آموزش برای قرن بیست و یکم با عنوان یادگیری: گنج درون (Delors, 1996) تشریح شده یادگیری حیات انسان را دربرمی‌گیرد و می‌تواند بر این چهار بعد استوار باشد: یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای بودن و یادگیری برای با هم زیستن. تحقق مسئولیتی چنین خطیر بدون بازاندیشی، بازسازی ساختارها و بازآفرینی نظام آموزشی و زیر نظامهای آن بعید می‌نماید.

1. représentation mentale

2. internet

3. mondialisation

اگرچه در گزارش ۱۹۹۸ بانک جهانی کاهش فواصل میان کشورها و درون کشورها و فراهم ساختن امکان دسترسی به آموزش، بهداشت و به طور کلی، بهزیستی - به‌رغم ملیت، نژاد و جنسیت - به عنوان یک هدف اعلام شده (World Bank, 1998: Forward) در عمل، تحقق برابری شانس در هر یک از مؤلفه‌های بهزیستی از جمله آموزش، نخست مستلزم بهره‌جویی از دانش، فناوری و اطلاعات به روز است. در دهه پایانی قرن بیستم، درک نقش خطیر نظام آموزشی - متشکل از آموزش قبل از دبستان، ابتدایی، متوسطه، عالی و مداوم یا به عبارت دیگر آموزشهای رسمی و غیررسمی - در مسابقه برای «رقابت پذیری» و «سازگاری» در مجامع تخصصی و بین‌المللی توجه را به محتوای آموزش و برنامه‌های درسی معطوف کرده است. در این مجامع اهم بحثهای برنامه‌ریزی آموزشی در ارتباط با محتوای آموزش، از یک سو بازاندیشی درباره فلسفه، هدفها و مقصد نظام آموزشی را ضروری می‌دارد (Bruner, 1996) و از سوی دیگر، بازیابی برنامه‌های درسی، به‌ویژه در سه زمینه علوم اجتماعی، علوم انسانی و ریاضیات - علوم پایه را توصیه می‌کند (IBE, 1998). روند مطالعات موجود نشان می‌دهد، کشورهای جهان به اتفاق - در شمال و جنوب - در جستجوی «آموزش پایه برای همه» و «کیفیت آموزش» هستند. برابری شانس یا برخورداری از فرصتهای آموزشی که یکی از آرمانهای نظامهای آموزشی به شمار می‌رود و در اعلامیه حقوق بشر به عنوان حق آموزشی (بند ۲۶۰۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر) از آن یاد می‌شود، امروز تنها از دیدگاه کمی مطرح نیست، بلکه سخن از برابری کیفیت آموزش است. برای کیفیت آموزش به وسیله بانک جهانی دو مؤلفه معرفی شده است که عبارت‌اند از: محیط یادگیری (شامل درون‌دادها و فرایندها) و عملکرد دانش‌آموزان. عملکرد دانش‌آموزان در نتایج نظام به ترتیب در سه سطح کلاس درس، مدرسه و جامعه قابل مشاهده است؛ برای نمونه عملکرد دانش‌آموزان در علوم و ریاضیات برای سومین بار در مقیاس جهانی در سال تحصیلی ۱۹۹۴-۱۹۹۵ (TIMSS)<sup>۱</sup> مورد پژوهش قرار گرفته است (Ross, 1997, pp. 1-4) این پژوهش که روی نمونه گسترده‌ای از دانش‌آموزان پایه هفتم و هشتم در سنین ۱۳ تا ۱۴ ساله (جمعاً نیم میلیون دانش‌آموز در ۱۵ هزار مدرسه و در حدود ۴۰ کشور) انجام گرفته، گواهی است بر دامنه وسیع پراکندگی عملکرد دانش‌آموزان در

1. Third International Mathematics and Science Study

سطح کلاس (میانگین نمرات عبارت‌اند از: ۶۴۳ بالاترین تا ۳۵۴ پایین‌ترین). توجه به کیفیت آموزش، کاهش دامنه پراکندگی در پیشرفت تحصیلی یا به عبارت دیگر پیشگیری از شکست تحصیلی در مدرسه را برای همه دانش‌آموزان، ضروری می‌دارد. برنامه‌ریزی و سازماندهی کیفیت آموزش یا تحقق یادگیری در زمینه‌هایی مانند سه زمینه یاد شده به عنوان مقصد نظام آموزشی - در صورت توافق جمعی - در کدام سطح از سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نظام آموزشی باید آغاز گردد؟ چه کسانی، چه اقداماتی باید انجام دهند؟ مشارکت هر چه بیشتر بازیگران آموزشی در سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی چگونه می‌تواند عملی گردد؟ سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی، برنامه‌ریزان و برنامه‌نویسان درسی، مدیران مدارس و معلمان، والدین، وسایل ارتباط جمعی و اعضای جامعه محلی در رسیدن به «مقصد» چه نقشی بر عهده دارند؟ چگونه می‌توانیم به مقصد برسیم؟ چگونه بدانیم که به مقصد رسیده‌ایم؟ این قبیل پرسشها از یک سو، و پرسشهای دیگر در ارتباط با محتوای آموزشی مانند: لزوم آموزش مفاهیم مرتبط با هستی‌متعالی؛ محیط زیست در تراز محلی، ملی و بین‌المللی؛ فرهنگ مصرف‌کننده، آموزش جمعیت و جنسیت، آموزش پایه ریاضیات؛ علوم و فناوری، آموزش زبان مادری و فرهنگ ملی، آموزش زبانهای خارجی از دوره ابتدایی، از سوی دیگر به سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بر پایه اطلاعات و دانش نیاز دارد.

عرضه مطالب و مفاهیم به صورت چندرشته‌ای، میان‌رشته‌ای و درهم تنیده؛ پرهیز از سنگین کردن حجم برنامه‌های درسی؛ تجهیز جوانان به مهارتهایی که بتوانند با تغییرات سریع فناوری و بازار کار سازگار و کارآفرین باشند؛ آماده‌سازی جوانان برای مسئولیت‌پذیری و خوداشتغالی در جهانی که پیوسته در حال دگرگونی است؛ کمک به رشد ذهنی، معنوی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی، عاطفی و جسمی کودکان، نوجوانان و جوانان - و به طور کلی شهروندان - عادات درست انجام کار و انجام کار درست و بالاخره عادت به یادگیری مداوم، «روندگی و شوندگی»، از جمله مقولاتی است که در ارتباط با کیفیت و محتوای آموزش در قالب برنامه‌ریزی توسعه آموزش مطرح است.

از این رو با توجه به مراتب یاد شده، در تدوین کتاب حاضر، آگاهانه برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان یک مهارت تخصیص منابع مالی، انسانی و کالبدی برای اهداف عمدتاً کلی، مورد نظر نبوده است. بلکه هدف نخست «نمادسازی» یا بازنمایی ذهنی از عناصر پنج‌گانه نظام آموزشی - در قالب درون‌داد، فرایند، محصول، برون‌داد و پیامد -

و تفکیک این عناصر به نتایج یا مقصد (عملکرد نظام در سطح کلاس، نهاد آموزشی و جامعه) و وسایل (محیط یادگیری متشکل از درون‌دادها و فرایندها) به منظور فراهم ساختن امکان گفتگو و درک مشترک میان بازیگران آموزشی، به طور کلی، و برنامه‌ریزان آموزشی، به‌ویژه، بوده است. سپس با استفاده از این نمادسازی، کوشش شده تا مطالب کتاب در ارتباط با «وسایل» یا «نتایج» در مقیاس کلان و خرد با استفاده از منابع روزِ مورد بحث در مجامع تخصصی بین‌المللی، عرضه شود.

بر این اساس کتاب حاضر شامل سه بخش و پانزده فصل است. بخش اول با عنوان چالش‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی در شش فصل به طرح مباحثی نو برای ورود به قرن بیست‌ویکم میلادی می‌پردازد؛ از جمله: بازنگری بخش آموزش و منابع انسانی، جایگاه پژوهش‌های آموزشی در سیاست‌گذاری و چالش‌های نو، مفهوم «توسعه انسانی» و نشانگرهای آن، کیفیت آموزش، تمرکززدایی از نظام آموزشی، نظام اطلاع‌رسانی و پردازش نشانگرهای آموزشی و کاربرد تفکر استراتژیک در برنامه‌ریزی آموزشی. بخش دوم با عنوان برنامه‌ریزی توسعه آموزش در مقیاس کلان، در پنج فصل، درباره چگونگی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مشارکتی و دانشگرا با استفاده از اطلاعات به هنگام است. بخش سوم با عنوان برنامه‌ریزی توسعه آموزش در مقیاس خرد، در چهار فصل، به چگونگی تمرکززدایی در نظام آموزشی به‌ویژه در سطح نهاد مدرسه می‌پردازد.

امید است، مطالعه این کتاب به عنوان مکمل متون درسی، برای دانشجویان تحصیلات دوره تکمیلی رشته‌های تعلیم و تربیت، پژوهش‌های آموزشی، فلسفه آموزشی و مدیریت آموزشی سودمند باشد.

در خاتمه لازم می‌دانم، مراتب امتنان و قدرشناسی خود را نسبت به دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت (BIE) در ژنو ابراز نمایم، به‌ویژه از خانم سیلوی رو (Roux) مسئول ارشد واحد اسناد و اطلاعات، که با کمال فروتنی و خوشرویی در یافتن منابع مربوط به نهادهای بین‌المللی مانند ERIC، سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی، یونسکو و انستیتو بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی، نویسنده را یاری داده، از صرف وقت دریغ ننمودند، سپاسگزاری می‌کنم.

فریده مشایخ

اسفندماه ۱۳۷۷